

جایگاه تبلیغ در جهان جدید و بشر جدید¹ باسمه تعالی

۱- رهبر معظم انقلاب در دیدار با مبلغین و طلاب فرمودند: نسبت به تبلیغ نگرانم زیرا به گفته ایشان نیاز ما بیش از این‌هایی است که فعلاً انجام می‌شود.

در رابطه با فرازهایی از سخنان ایشان ذیلاً عرایضی تقدیم می‌شود:

در بستر تبلیغ می‌توان افق‌هایی از حضور را در منظر انس با حقیقت در مقابل مخاطب گشود تا بتواند نظر به وجه پیدا و پنهان حقیقت داشته باشد، زیرا اطلاع از وجود حقایق و عوالم وجود کافی نیست، بشر جدید نیاز به حضور در عوالم وجود دارد.

۲- هدف نهایی تبلیغ ارتقا انسان است در مسیر خلیفه الهی و انسان کامل. تشکیل نظام اسلامی نیز جزء اهداف دین است.

به همان معنایی که اسلام در حال نزدیک شدن به ذات خود می‌باشد که یکی از ابعاد آن تعالی انسان است در بعد اجتماعی و سیاسی که همان نظام اسلامی است. در تبلیغ نباید از این نکته غفلت کرد.

۳- تبلیغ، عاملی است تا انسان متوجه حضور در نزد خود و در عالم بشود که شایسته اوست و رهبر انقلاب مواردی مثل ترویج کلم طیب و عمل صالح را برشمردند،² آن هم با «تبلیغ» یعنی رساندنی که جایی برای شبهه در مخاطب باقی نگذارد که همان «بلاغ مبین» است.

در این حالت انسان وجود خود را در وسعت تاریخی که در آن قرار دارد و در وسعتی که در نزد خود تا ابدیت حاضر است، احساس می‌کند.

۴- فرمودند: در این دوره که دوره حاکمیت اسلام است در سازمان سیاسی مدیریت کشور و دشمنی با اسلام

۱ - با نظر به بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با مبلغین و طلاب حوزه‌های علمیه سراسر کشور در تاریخ 21 تیرماه 1402

۲ - قرآن می‌فرماید: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (فاطر/10)

شدت گرفته ، تبلیغ اهمیت مضاعف یافته تا ایمان مردم که قوام نظام است محفوظ بماند و رشد کند. جنگ، جنگِ حقیقت است با توهم. زمانه‌ای که بنا بر آن است تا همه چیز به سوی ذات خود رود. مدرنیته به سوی ذات خود و اسلام نیز در حال سیر به ذات خود می‌باشد. لذا از یک طرف کنسرت‌هایی داریم با خیزش توهمات نهایی و هیئت‌هایی با وسعت و شور فوق العاده، حضور در دو قلمرو گسترده که یکی توهمی و دروغین که امکان تفکر را به انسان نمی‌دهد و دیگر قلمرو حقیقتی است که نظر به هستی انسان در عالم دارد.

۵- اگر حفظ نظام از اوجب واجبات است و اگر حفظ نظام به ایمان مردم می‌باشد ، پس حفظ ایمان مردم در دوره پسا اینترنت از اوجب واجبات می‌باشد و تبلیغ جهت این امر، اهمیت خود را پیدا می‌کند، تا گرفتار استحاله فرهنگی نشویم و گرنه سیلی می‌خوریم .

حفظ ایمان مردم در دوره پسا مدرن، حضور در ایمانی است که انسان جهانی شده متوجه نیست‌انگاری دوران باشد و راه عبور از آن را بشناسد، که حضوری است از جنس حضوری که خداوند برای رسول خود، آن نهایی‌ترین انسان، پیش آورد و در آن رابطه در خطاب به آن حضرت فرمود: «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى».

۶- غفلت از تبلیغ درست موجب قبح زدایی از گناهان بزرگ می‌شود، مثل آنچه قدم به قدم در غرب پیش آمد.

زیرا در غرب از تذکر و توجه به وسعت انسان غفلت شد و در نتیجه انسان نسبت به خودش

غافل گشت. تبلیغ در این جا یعنی جهانی که انسان باید در نزد خود حاضر گردد را طوری ترسیم

کنیم که متوجه آفات گناه بشود و این که چگونه از جهان‌های فراخ محروم می‌گردد. به گفته

جناب مولوی:

تودرون چاه رفتستی زکاخ چه گنه دارد جهانهای فراخ

۷- اولین نکته در تبلیغ، شناخت مخاطب است. مخاطب جوان و غیر جوانی که از نظر سطح فکر با گذشته قابل مقایسه نیستند، غفلت از این موضوع، تبلیغ را خنثی می‌کند. بدین معنا که اگر ندانیم طرف مقابلمان در چه مرحله فکری قرار دارد و در فضای مجازی با چه چیزی روبه‌رو است، تبلیغ بی‌اثر می‌گردد.

در رابطه با قابل مقایسه‌نبودن مردم این زمانه نسبت به مردم گذشته، همواره سخن حضرت سجاد (علیه‌السلام) مد نظر بنده است که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ عَلِمَ أَنَّهُ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَقْوَامٌ مُتَعَمِّقُونَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ وَالْآيَاتُ مِنْ سُورَةِ الْحَدِيدِ إِلَى قَوْلِهِ - وَ هُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ.» در این رابطه به غزل حضرت امام خمینی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) نظر کنید و توجه به حضور میخانه‌ای که ایشان به دنبال آن هستند و می‌فرمایند:

در میخانه گشایید به رویم شب و روز که من از مسجد و از مدرسه بیزار شدم

۸- یکی از معانی آیه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» می‌تواند همین مخاطب‌شناسی باشد و با توجه به مسائل مخاطب با او سخن‌گفتن. شناخت زیست جهان مخاطب و رابطه با آن، با توجه به خطر شکاف نسل‌ها امر مهمی است. به نظر می‌آید حضور در تاریخ انقلاب اسلامی می‌تواند پیر و جوان را کنار هم آورد.

توجه به سنت‌های معنوی خود از یک طرف و با حضور در زمانه‌ای که فرهنگ مدرن توانایی‌های خود را نسبت به وعده‌هایی که داده، از دست داده است، از طرف دیگر، کارساز است.

۹- در نکته دوم سخن خود فرمودند: ما در مقابل شبهه‌ها با یک جریان طرف هستیم و نه با یک فرد، باید متوجه این امر که تقابل دو جبهه است باشیم.

یکی جبهه نظام اسلامی و دیگر جبهه به ظاهر لیبرال دموکراسی است. پس مبارزه، مبارزه تمدنی است و با نظر به ضعف‌های جبهه مقابل ما می‌توانیم تهاجمی عمل کنیم و پرونده جبهه مقابل را با ضعف‌هایی که دارد رو کنیم.

آری! باید در تقابل دو جبهه مذکور حاضر شد و جهانی که انسان را گرفتار نیست‌انگاری کرده است به بشریت معرفی نمود. جهانی سراسر توهم، و جهانی که انسان را با ابعاد متعالی‌اش آشنا می‌کند.

همچنان‌که عرض شد، زمانه‌ای پیش آمده که همه‌چیز دارد به ذات خود برمی‌گردد. مدرنیته به سوی ذات خود که توهم محض است و اسلام که جمع بین ابعاد معنوی و فردی و اجتماعی است.

10- روحیه جهادی در تبلیغ موجب درست‌دیدن صحنه و درست‌عمل‌کردن می‌باشد. به همان صورتی که غیظ دشمن اسلام را درآورد و در این رابطه به آیه 120 سوره توبه اشاره کردند که می‌فرماید: «وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» به این معنا که وقتی کفار از ما عصبانی شدند آن کار ما عمل صالح به حساب می‌آید. این روحیه موجب شور ایمانی و امیدواری به آینده می‌شود و ناامیدی و یأس را از بین می‌برد.

امکاناتی در تاریخ خود داریم که ما را نسبت به آینده خود امیدوار می‌کند، برعکس جهان مدرن که در تاریخ خود بی‌ریشه است و سعی دارد بانفی ریشه ملت‌ها، به خود معنا ببخشد و اتفاقاً این تقابل، تقابلی است اساسی که باید آن را درک کرد تا خود را درک کنیم و احساس کنیم چه اندازه در این تقابل به وجه ایمانی خود نزدیک می‌شویم.

آری! اگر آینده به گذشته نظر دارد ولی در گذشته متوقف نیست و اگر غرب نظر به آینده داشت ولی آن روشنایی بنیادینی که مربوط به هستی انسان بود را انکار کرد و لذا به تاریکی گرایید، با غفلت نسبت به روشنایی بنیادینی مانند «آزادی» و «مذهب».

۱۱- فرمودند: توجه ویژه به نسل جوان و نوجوان و ترغیب آنان به التزام عملی به دین، به خصوص با حضور در مسجد و هیئت، یکی از اهداف تبلیغ می‌باشد. نظر به نسل جوان و نوجوان، نظر به انسان‌هایی است که بیش از امروز، خود را در آینده جستجو می‌کنند، در آینده‌ای که جوا بگوی ابعاد فردی و جمعی آن‌ها باشد، آن‌هم در جمع‌هایی قدسی و معنوی تا افق‌های متعالی را در مقابل آن‌ها بگشاید. کاری که در هیئت‌های مذهبی و مساجد قابل تحقق است.

۱۲- فرمودند: تبلیغات خوبی هست ولی نسبت به آنچه باید باشد کم است. اگر پاسخ‌های گذشته برای امروز کافی نیست، می‌توان برای امروز و فردای خود، بصیرت‌هایی را از حکمت صدرایی بیاییم. مسلماً تفکر در یک سنت شکل می‌گیرد و از این جهت به همان اندازه که از سنت‌های خود، به جهت نوعی غرب زدگی فاصله داشته باشیم، به همان اندازه در بحران تفکر گرفتار می‌شویم.

ما نیاز داریم که افکار شایع در میان خودمان و وضعی که در آن به سر می‌بریم را بازشناسی کنیم. ما هم اکنون نیاز داریم با چشم و گوشی دیگر آثار شیخ مفید و فارابی و ابن سینا و غزالی و مولوی و فردوسی و ملاصدرا و بسیاری دیگر از متفکران و شاعران را بخوانیم و سخنان‌شان را بشنویم.

۱۳- فرمودند: احتیاج داریم به یک کانون اساسی با ماموریت تهیه مواد تبلیغی به روز با شیوه‌های اثرگذار.

باید از یک طرف انسان جدید و تاریخ بشر جدید تعریف شود و از طرف دیگر تعریفی که اسلام از انسان دارد و تاریخی که با انقلاب اسلامی ظهور کرده به میان آید. این نکات، نکاتی است که باید بنیاد مواد تبلیغی قرار گیرد و شیوه کار هم در فضای گفت و گو باید انجام گیرد و شیوه کار هم گفت و گو محور باشد و نه تحکمی.

14- فرمودند: چیزهایی هست که امروز مناسب امروز منبر است ولی فردا ممکن است از اثر بیفتد و بی‌فایده باشد.

زیرا گمان می‌کنیم همچنان باید سخنانمان شبیه سخنان همگان باشد و از حضور در طوفانی که در انتظارات نسل جدید است، فرار می‌کنیم. وسعت دید، تنها در دگرگونی افق دید ممکن است، امری که درون جان نسل جدید نیز از آن حمایت کند، در برابر طوفانی که در پیش است. زیرا نسلی است ماجراجو.

بحث در بسط انسان است در راستای عبور از برکه بودن به سوی اقیانوس شدن. و در این رابطه مقام معظم رهبری حتی افراد بی‌حجاب را هم از خودمان جدا نمی‌کنند، بدون آن که کشف حجاب آن‌ها را تأیید کنند. زیرا دستیابی به نظام معرفتی اصیل امکان تبیین و دفاع از امور دینی را فراهم می‌کند و در این رابطه بشر جدید را متوجه جهان گمشده‌ای می‌کند که در جان خود به دنبال آن است، آن‌هم در تاریخی که پیش‌فرض‌های دیروزین او فرو ریخته و نیاز به تفسیر دیگری از عالم قدس دارد.

15- فرمودند: اموری هست که امروز مفید است ولی فردا ممکن است بی‌فایده باشد.

الف: به همان معنایی که میان امر تاریخی و حقیقت، رابطه برقرار است و انسان می‌تواند به جای جزم اندیشی نسبت به حقیقت، در هر مظهری و هر زبانی متوجه حقیقت شود و ریشه‌های حکمت

معنوی خود را به معاصرت در آورد و از این طریق است که عبور از نیست‌انگاری که بالاخره برای بشر جدید پیش آمده، ممکن می‌گردد.

ب: مسلماً تبلیغ وقتی پایدار است و نقش‌آفرین می‌باشد که در جان آدمیان بنشیند و فرهنگ آنها را جهت دهد. امری بالاتر از عادات و حتی باورها، بلکه تذکر به نکاتی که به زیست انسان مرتبط باشد.

ج: حضور در یک تاریخ و گفت و گو با نظر به «وجود»، در بستر رخدادی ظهور می‌کند که آن رخداد نمادی از «وجود» باشد و گرنه به صرف اینکه انسان‌ها در یک زمان در کنار همدیگر باشند گفت و گو صورت نمی‌گیرد. در کنار هم بودن و گفت و گو داشتن مربوط به کسانی است که بحران را می‌بینند و متوجه شده‌اند آدمیت عالم مدرن تغییر کرده، در حالی که متاسفانه بعضی‌ها با غفلت از این موضوع می‌خواهند همه چیز را به عالم خود و به گذشته برگردانند، چه سنت‌گراها باشند که از امکاناتی که بشر جدید و عالم جدید دارا است غفلت می‌کنند و چه افرادی که خود را تنها در جهان مدرن دنبال می‌کنند.

د: همچنان باید از خود پرسید چه تصویری باید از جهان کنونی و انسان کنونی داشت تا نه از سنت‌های دینی گذشته، مانند کربلا منقطع باشیم و نه نسبت به حضوری که در این تاریخ باید داشت غفلت کنیم؛ تا کربلا همچون کوزه‌ای نگردد که از زندگی خارج شده و به موزه‌ها سپرده شده. در حالی که کربلا، آرمان بزرگ امروزین ما می‌تواند باشد و البته انسانی که هیچ آرمان بزرگی ندارد، به هر وضعی تن می‌دهد و این شروع نیست‌انگاری است که با حضور در تاریخ کربلا و در نسبتی که در امروز تاریخ‌مان، یعنی در نسبت حضور در انقلاب اسلامی، می‌توانیم با امام حسین «علیه‌السلام» پیدا کنیم؛ امکان عبور از آن نیست‌انگاری فراهم است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

